

بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی با استفاده از الگوی مختلط ماتریس حسابداری اجتماعی

علی فریدزاد^۱ علی اصغر بانویی^۲ فرشاد مؤمنی^۳ حمید آماده^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

چکیده

با توجه به محدودیت‌های موجود در واردات فرآورده‌های عمده نفتی مانند بنزین، گازوئیل و گاز مایع، این سوال مطرح است که محدودیت عرضه این فرآورده‌ها، تا چه میزان بر تولید سایر بخش‌های اقتصادی، درآمد عوامل تولید و نهادهای جامعه (خانوارها) اثر می‌گذارد؟ یکی از الگوهای تعادل عمومی قابل استفاده برای سنجش این آثار، الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) است. اما در شرایط محدودیت عرضه در برخی از بخش‌های اقتصادی، بکارگیری الگوی تقاضامحور SAM برای سنجش آثار اقتصادی و اجتماعی با کاستی‌هایی همراه است.

در این مطالعه، برای اولین بار از الگوی اصلاح شده تقاضامحور، در قالب الگوی مختلط SAM و ماتریس حسابداری اجتماعی حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. این ماتریس، با توجه به هدف تحقیق و برای اولین بار تهیه و تدوین شده است. نتایج مطالعه مبتنی بر سناریوی کاهش عرضه به اندازه کل واردات برای هر فرآورده نفتی است. مطابق این نتایج، محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بیشترین میزان کاهش تولید را در بخش‌هایی مانند تولید و استخراج نفت و گاز، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، ساخت محصولات و مواد شیمیایی و محصولات کشاورزی در پی دارد. همچنین، با اعمال این محدودیت‌ها درآمد سرمایه بیشتر از سایر عوامل کاهش یافته و درآمد نیروی کار خانوارهای شهری بطور مطلق و نسبی بیش از خانوارهای روستایی کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه انرژی در سبد هزینه خانوارهای روستایی سهم نسبی بالاتری دارد، درآمد خانوارهای روستایی نسبت به درآمد خانوارهای شهری با کاهش بیشتری همراه بوده است.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، Email: afaridzad@yahoo.com

۲. دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، Email: banoui7@yahoo.com

۳. استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، Email farshad.momeni@gmail.com

۴. استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، Email: amadeh@gmail.com

واژگان کلیدی: ماتریس حسابداری اجتماعی عرضه‌محور، الگوی مختلط، ضرایب فزاینده تقاضا به تولید، ضرایب فزاینده تولید به تولید، متغیرهای برونزا و درونزا، الگوی محدودیت عرضه، شرایط ویژه.

JEL: E12, E16, E23, O11, Q32, Q43.

۱. مقدمه

در حاضر یکی از موضوعاتی که بیش از گذشته مورد توجه سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران اقتصادی است، بررسی آثار اقتصادی ناشی از محدودیت در واردات برخی از کالاها و خدمات به کشور بویژه برخی کالاهای اساسی بوده است. از آنجایی که عرضه برخی از کالاها و خدمات در هر بخش اقتصادی از طریق تولید داخلی و واردات به داخل صورت می‌گیرد، بدیهی است که با محدودیت در واردات، محدودیت عرضه در آن بخش اقتصادی بوجود خواهد آمد. یکی از بخش‌هایی که قسمتی از نیازهای اقتصاد کشور در آن از طریق واردات صورت می‌گیرد، بخش تولید فرآورده‌های نفتی است. براساس آمارهای ارائه شده در ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، از میان پنج فرآورده اصلی شامل بنزین، گازوئیل، گازمایع، نفت کوره و نفت سفید که در ۹ پالایشگاه کشور در حال حاضر تولید می‌گردند، سه فرآورده گازمایع، بنزین و گازوئیل بدلیل بالابودن مصرف داخلی به واردات وابستگی دارند (ترازنامه هیدروکربوری، ۱۳۸۸). در جدول ۱، ۲ و ۳ میزان عرضه کل سه فرآورده اصلی یادشده مشاهده می‌شود که بخشی از این میزان از طریق واردات جبران می‌شود.

جدول ۱. عرضه گاز مایع در دوره ۱۳۸۸-۱۳۷۸ (واحد: هزار مترمکعب در سال)

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۳۱۹۳	۳۰۵۲	۲۸۶۰	۲۸۱۸	۲۹۲۶	۲۹۰۲	۲۹۹۳	۳۰۵۶	۳۱۴۸	۲۹۷۶	۲۹۹۴	۳۰۱۰	تولید
۱۲۸۳	۱۳۴۶	۱۲۱۳	۱۱۹۲	۱۴۲۷	۱۰۶۱	۱۱۴۱	۱۲۲۹	۱۱۷۱	۱۱۴۲	۱۱۰۶	۷۲۶	واردات
۴۴۷۶	۴۳۹۸	۴۰۷۴	۴۰۱۱	۴۳۵۳	۳۹۶۴	۴۱۳۵	۴۲۸۵	۴۳۲۰	۴۱۱۹	۴۱۰۱	۳۷۳۷	عرضه

مأخذ: ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، وزارت نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی؛ مروری بر ۲۳ سال آمار انرژی کشور، وزارت نیرو (۱۳۹۰)

جدول ۲. عرضه بنزین در دوره ۱۳۸۸-۱۳۷۸ (واحد: هزار مترمکعب در سال)

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۱۶۳۲۶	۱۶۳۱۳	۱۶۲۷۵	۱۶۴۵۴	۱۶۳۰۲	۱۵۴۵۳	۱۴۶۹۶	۱۴۵۵۳	۱۴۰۷۱	۱۳۵۵۲	۱۳۲۹۶	۱۳۱۴۵	تولید
۵۴۴۹	۷۶۶۴	۷۵۴۲	۶۹۵۲	۱۰۰۳۶	۹۰۵۴	۸۲۹۶	۵۵۱۴	۳۸۰۲	۲۸۴۲	۱۹۰۲	۱۲۳۷۱	واردات
۲۱۷۷۵	۲۳۹۷۷	۲۳۸۱۷	۲۳۴۰۶	۲۶۳۳۸	۲۴۵۰۸	۲۲۹۹۳	۲۰۰۶۷	۱۷۸۷۳	۱۶۳۹۴	۱۵۱۹۸	۲۵۵۱۶	عرضه

مأخذ: ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، وزارت نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی؛ مروری بر ۲۳ سال آمار انرژی کشور، وزارت نیرو (۱۳۹۰)

با توجه به جدول ۳ به دلیل آنکه در سال‌های اخیر کشور در فصول سرد با کمبود گاز مواجه بوده است، برای تأمین کمبود سوخت نیروگاه‌های گازی و برخی از صنایع، عرضه گازوئیل به مجموعه‌ای از تولید داخل و واردات متکی بوده است.

جدول ۳. عرضه گازوئیل در دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۸ (واحد: هزار مترمکعب در سال)

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۳۳۱۹۷	۳۲۳۷۶	۳۱۰۹۴	۲۹۷۶۵	۲۹۳۷۲	۲۸۹۱۳	۲۸۱۹۵	۲۶۷۰۱	۲۶۲۵۱	۲۵۸۷۰	۲۵۶۰۰	۲۵۳۸۳	تولید
۱۵۵۰۵	۲۳۴۱	۳۷۱۴	۲۹۴۰	۱۸۵۶	۱۰۵	۶۱	۰	۰	۰	۰	۰	واردات
-	۵۲۳	۹۱۱	۴۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	واردات از پتروشیمی
۴۸۷۰۲	۳۵۲۴۱	۳۵۷۱۹	۳۳۱۰۷	۳۱۲۲۹	۲۹۰۱۹	۲۸۲۵۷	۲۶۷۰۱	۲۶۲۵۱	۲۵۸۷۰	۲۵۶۰۰	۲۵۳۸۳	عرضه

مأخذ: ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، وزارت نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی؛ مروری بر ۲۳ سال آمار انرژی کشور، وزارت نیرو (۱۳۹۰)

جهت کاهش وابستگی به واردات فرآورده‌های نفتی و تأمین مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی کشور در سال‌های اخیر، راهکارهای متعددی به صورت اجرایی مطرح شده و یا در قالب مطالعات مختلف پیشنهاد شده است. یکی از راهکارهای برون‌رفت از مسئله کاهش واردات فرآورده‌های نفتی، افزایش عرضه فرآورده‌های نفتی از طریق ساخت پالایشگاه‌های جدید و ایجاد ظرفیت تولیدی است. برنامه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز در سال ۱۳۸۸ مبنی بر ساخت هفت پالایشگاه جدید جهت افزایش ظرفیت تولید در داخل ارائه شد که با توجه به برخی مشکلات در تأمین سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی جهت تکمیل این پروژه‌ها، در عمل روند ساخت پالایشگاه‌های جدید و افزایش ظرفیت پالایشی در کشور با مشکل مواجه شده است. براساس این برنامه قرار بود تا پایان سال ۱۳۹۲ این تعداد پالایشگاه به ظرفیت تولیدی پالایشگاه‌های قبلی اضافه شوند. ساخت و ایجاد پالایشگاه در حدود ۵ سال به طول می‌انجامد و فرآیندی زمان‌بر است، در نتیجه نمی‌توان از این راهکار در کوتاه‌مدت برای حل مسئله کمبود تولید فرآورده‌های نفتی در داخل استفاده نمود.

یکی دیگر از راهکارها جهت ایجاد توازن میان مصرف و نیاز داخلی و عرضه فرآورده‌های نفتی، کنترل مصرف فرآورده‌های مذکور از طریق سیستم سهمیه‌بندی و کنترل مصرف است که در قالب قانون هدمندی یارانه‌ها از سال ۱۳۸۶ تاکنون در کشور آغاز شده است اما این برنامه نیز در جهت کاهش مصرف فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین و نفت گاز موفق نبوده است. به‌عنوان نمونه، مصرف بنزین در داخل پس از نظام سهمیه‌بندی نسبت به سال‌های پیش از سهمیه‌بندی تغییر چشم‌گیری نداشته است و در حال

حاضر روند مصرف این فرآورده‌ها حتی با افزایش همراه است. همچنین مطالعه راینزی و صوری (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که مصرف بنزین بر اثر تغییر قیمت این فرآورده ابتدا به صورت ضعیفی کاهش یافته و مجدداً در مدت زمان کوتاهی افزایش یافته است. بر این اساس، تنها راهکار باقی‌مانده برای تأمین نیاز بازار داخلی به فرآورده‌های نفتی، واردات این محصولات از خارج است که هر چه وابستگی به واردات فرآورده‌های مورد نیاز بیشتر باشد، علاوه بر وجود مسئله نااطمینانی نسبت به واردات، هزینه‌های ارزی سالانه برای این میزان واردات را نیز نباید از نظر دور داشت. باتوجه به آنکه فرآورده‌های نفتی در بخش‌های مختلفی مانند بخش خانگی، صنعتی، تجاری و کشاورزی به‌عنوان یک نهاده اولیه تولید (محصول واسطه) به کار می‌رود، نقش مهمی در تولید دیگر کالاها یا تولید سایر بخش‌های (فعالیت‌های) تولیدی یا خدماتی اقتصاد ایران دارد و از این منظر در صورتی که خللی در عرضه فرآورده‌های نفتی مورد نیاز بخش‌های مختلف ایجاد شود، می‌تواند تولید در دیگر بخش‌ها را با مشکل روبرو نماید. باتوجه به موارد ارائه شده، در صورتی که واردات فرآورده‌های نفتی در کوتاه‌مدت با اختلال مواجه شود و در نهایت منجر به کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل یا گاز مایع شود، در این صورت یک پرسش اساسی مطرح خواهد بود و آن این است که «آثار و تبعات اقتصادی اجتماعی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی به دلیل محدودیت در واردات، تا چه میزان بر تولید سایر بخش‌های اقتصادی، بر درآمد عوامل تولید و درآمد نهادهای جامعه از جمله خانوارها اثرگذار خواهد بود؟».

یکی از روش‌هایی که در سنجش آثار و تبعات همزمان اقتصادی و اجتماعی تغییر در متغیرهای کلان اقتصادی دارای کاربرد هستند الگوهای تعادل عمومی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)^۱ است. در این مطالعه نشان می‌دهیم که الگوهای متعارف تقاضامحور SAM در سنجش آثار و تبعات اقتصادی اجتماعی ناشی از محدودیت در عرضه فرآورده‌های نفتی در شرایط ویژه ناتوان هستند. بنابراین نیاز است تا الگوی مذکور در شرایط ویژه با محدودیت عرضه بخش‌های مشمول شرایط ویژه به شکل الگوی متغیر مختلط^۲ طراحی شود زیرا با توجه به اینکه الگوی کلان SAM از نوع الگوهای کلان‌کینزی هستند، ساختار این الگوها در شرایط متعارف، طرف عرضه را داده شده و با کشش فرض می‌کنند. به عبارت دیگر براساس این الگوها در شرایط متعارف، فرض می‌شود که تمامی بخش‌های اقتصادی از شرایط یکسان برخوردار بوده و با محدودیت در عرضه مواجه نیستند. حال آنکه در شرایط ویژه، عرضه برخی از بخش‌ها و یا محصولات خاص تحت تأثیر عواملی مانند تغییرات جوی (خشکسالی و سیل)، سهمیه‌بندی، جیره‌بندی، مسائل فنی،

1. Social Accounting Matrix Approaches
2. Mixed Variable Models

زلزله یا تحریم اقتصادی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با محدودیت مواجه می‌شوند.^۱ در این مطالعه، با توجه به آنکه عرضه برخی از فرآورده‌های نفتی نیازمند واردات است، تلاش می‌شود برای اولین بار، آثار و تبعات اقتصادی اجتماعی محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع بر مبنای الگوی مختلط و اصلاح SAM در شرایط ویژه و بر مبنای SAM انرژی سال ۱۳۸۵ که برای اولین بار برای این منظور تهیه و تدوین گردیده است، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس، مطالعه حاضر در چندین بخش سازماندهی شده است. در بخش اول، با مروری اجمالی بر مطالعات گذشته نشان داده می‌شود که چگونه الگوهای متغیر مختلط SAM در موارد مختلفی از جمله سهمیه‌بندی شیر، جنگل‌زدایی، ماهیگیری، کنترل مصرف نهادهای جامعه و مانند آن در کشورهای مختلف جهان بکار گرفته شده است و در این مطالعه برای اولین بار این نوع الگوها برای سنجش آثار و تبعات اقتصادی اجتماعی ناشی از محدودیت در عرضه فرآورده‌های نفتی در کشور مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش دوم، پایه‌های نظری الگوهای SAM عرضه محور در شرایط متعارف و در شرایط ویژه و بر مبنای الگوی متغیر مختلط ارائه خواهند شد. بخش سوم از این مطالعه نیز به پایه‌های آماری و ارائه و تحلیل نتایج اختصاص یافته است که براساس آن در دو بخش آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی به‌صورت مطلق و نسبی ارائه می‌شود. در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

سوابق مطالعاتی در زمینه الگوهای اصلاح شده SAM در شرایط ویژه در مطالعات خارجی مورد توجه طیف وسیعی از پژوهشگران و کاربردهای مختلف از آن قرار گرفته است. چانگ و واترز (۲۰۰۹)^۲ در مطالعه خود با استفاده از الگوی اصلاح شده ماتریس حسابداری اجتماعی، آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از کاهش ۱۰ درصدی در ماهیگیری را بر کل اقتصاد مورد ارزیابی قرار داده است. در این مطالعه، تولید بخش ماهیگیری به‌عنوان بخش با محدودیت ارائه شده است. همچنین مبانی نظری مدل‌سازی الگوهای اصلاح‌شده داده-ستانده بر مبنای مدل متغیر مختلط توسط در بخشی مجزا ارائه شده است. هاتونو و رسوسادرامو (۲۰۰۸)^۳ نیز به بررسی آثار اقتصادی کنترل مصرف انرژی در اندونزی پرداخته است. در این مطالعه، دو نوع سناریوسازی در زمینه کنترل مصرف انرژی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته است. در سناریوهای گروه اول، کارایی انرژی و میزان مصرف از طریق قطع یارانه‌ها مطرح شده است و

1. Miller, R.E. and Blair P.D. (2009)

2. Chang, K.S. and Waters, E.C.

3. Hortono, D. and Resosudarmo, B.P.

سناریوهای گروه دوم، کنترل مصرف انرژی از طریق تعطیل نمودن و یا کم کردن ساعت کاری رستوران‌ها، هتل‌ها و یا اماکن عمومی را مدنظر قرار داده‌اند. فرناندز ماچو و همکاران (۲۰۰۶)^۱ نیز در مطالعه خود به بررسی آثار اقتصادی ناشی از کاهش ماهیگیری با استفاده از رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی عرضه‌محور پرداخته است. ریچ و همکاران (۱۹۹۷)^۲ در مطالعه خود به امکان‌سنجی سیاسی تعدیلات ساختاری در آفریقا و بر مبنای کاربردی از الگوهای ضریب فزاینده مختلط در ماتریس حسابداری اجتماعی پرداخته است. همچنین در مطالعه‌ای توسط رسوسادرامو و توربیک (۱۹۹۶)^۳ آثار سیاست‌های زیست‌محیطی بر درآمد خانوارها بر بخش‌های مختلف اقتصادی اجتماعی برای کشور اندونزی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. نویسندگان بر اساس این مطالعه دریافته‌اند که سیاست‌های طراحی شده برای کاهش مقدار آلودگی هوا، اثری بر تولید بخش‌های اقتصادی نمی‌گذارد و حتی می‌تواند به بهبود توزیع درآمد در کشور یاری رساند.

سوابق مطالعاتی در ایران نشان می‌دهند که برخلاف توجه ویژه‌ای که به این نوع الگوسازی و استفاده از کاربردهای آن در دیگر کشورها شده است، این نوع الگوها در کشور مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران قرار نگرفته است. به عبارت دیگر با وجود آنکه، بکارگیری الگوهای SAM در شرایط متعارف در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و انرژی مورد توجه طیف وسیعی از پژوهشگران در ایران قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به مطالعات پروین و سایرین (۱۳۸۸)، بانوئی و مؤمنی (۱۳۸۹)، بانوئی و دیگران (۱۳۸۳)، بانوئی و دیگران (۱۳۸۲)، حیدری و پرمه (۱۳۸۹) و پرمه و دیگران (۱۳۹۰) اشاره نمود اما الگوهای اصلاح‌شده یا مختلط ماتریس حسابداری اجتماعی در شرایط ویژه تاکنون مورد توجه پژوهشگران در داخل صورت نگرفته است و تنها در یک مورد توسط بانوئی و همکاران (۱۳۹۱) و در قالب طرحی تحقیقاتی برای سنجش آثار و تبعات اقتصادی اجتماعی ناشی از خشکسالی در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مطالعه اثر کاهش تولید بخش کشاورزی به میزان ۲۵ درصد بر سایر بخش‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که کاهش ۲۵ درصدی تولید بخش کشاورزی از منظر تقاضاکننده منجر به کاهش ۳/۲ درصدی ارزش افزوده کشور می‌شود. در این مطالعه برای اولین بار به مطالعه محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی با استفاده از الگوی اصلاح‌شده SAM پرداخته می‌شود که علاوه بر اهمیت ابعاد نظری آن، از منظر نتایج برای سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد انرژی دارای اهمیت بسیار زیادی برای کشور خواهد بود.

1. Fernandez-Macho, Javier
2. Rich, Karl M.
3. Resosudarmo, B.P. and Thorbecke, E.

۳. پایه‌های نظری

در تجزیه و تحلیل‌های همزمان رشد و توزیع درآمد در چارچوب الگوی متعارف SAM و در شرایط متعارف از روابط همزمان تراز تولیدی و تراز درآمدی عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه استفاده می‌شود که به شکل رابطه زیر است:

$$Y_n = B_n Y_n + X_n \quad (1)$$

$$(I - B_n) Y_n = X_n \quad (2)$$

$$Y_n = (I - B_n)^{-1} X_n = M_a X_n \quad (3)$$

به طوری که:

$$(I - B_n)^{-1} = M_a$$

$$B_n = [B_{ij}] ; B_{ij} = T_{ij} [Y_j]^{-1} \quad (4)$$

اجزای SAM در سطح کلان و برحسب حساب‌های درونزا و برونزا در جدول ۴ مشاهده می‌شود که اجزای اصلی رابطه تراز تولیدی بر مبنای حساب‌های درونزا و برونزا قابل ارائه و مشاهده است.

جدول ۴. ساختار کلان ماتریس حسابداری اجتماعی برحسب حساب‌های درونزا و برونزا

ورودی‌ها	حساب‌های درونزا				خروجی‌ها
	۱. تولید	۲. عوامل تولید	۳. نهادها (خانوارها و شرکت‌ها بدون دولت)	۴. سایر حساب‌ها (دولت، انباشت، دنیای خارج)	
۱. تولید	T_{11}	0	T_{13}	T_{14}	حساب‌های درونزا
۲. عوامل تولید	T_{21}	0	0	T_{24}	
۳. نهادها (خانوارها و شرکت‌ها بدون دولت)	0	T_{32}	T_{33}	T_{34}	
۴. سایر حساب‌ها (دولت، انباشت، دنیای خارج)	T_{41}	T_{42}	T_{43}	T_{44}	حساب‌های برونزا
جمع خروجی‌ها (عرضه یا هزینه کل)	Y_1	Y_2	Y_3	Y_4	

مأخذ: بانویی و پروین (۱۳۸۷)، ص ۵.

بر مبنای روابط (۱) تا (۴) و جدول ۴ مشاهده می‌شود که T_{ij} ماتریس مبادلات واسطه‌ای سه حساب درونزای تولید، حساب عوامل تولید و حساب نهادهای جامعه است. ماتریس B_{ij} ماتریس ضرایب مستقیم یا میل متوسط به هزینه سه حساب درونزا و M_a ماتریس ضرایب فزاینده حسابداری در شرایط متعارف را نشان

می‌دهد. این الگو به صورت الگوی استاندارد تقاضا محور لئونتیف^۱ که به شکل ضرایب فزاینده تقاضا به تولید است، در شرایط متعارف ارائه شده است. تقاضای نهایی و اجزای آن برونزا، تولید درونزا و عوامل اولیه نامحدود است به طوری که آثار و تبعات تغییرات در تقاضای نهایی بر تغییرات تولید مورد سنجش قرار می‌گیرد. ضرایب فزاینده حسابداری تولیدی نیز به عنوان ضرایب ساختاری پل ارتباطی میان تقاضای نهایی و تغییرات تولیدی و درآمدی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود و بدین ترتیب از این منظر به ضرایب فزاینده تقاضا به تولید معروف هستند. بکارگیری این الگوها بدون در نظر گرفتن فروضی همچون وجود ظرفیت اضافی تولید در سطح بخش‌ها و نامحدود بودن طرف عرضه (واسطه‌ای و عوامل اولیه) امکان‌پذیر نیست. از این جهت می‌توان رابطه (۳) را بر حسب تغییرات تقاضای نهایی (متغیرهای برونزا) که تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی (اقلام تزریقی) را بر بخش‌های تولیدی، درآمد عوامل تولید و درآمد نهادهای داخلی جامعه (متغیرهای درونزا) نشان می‌دهد، ارائه نمود:

$$\Delta Y_n = (I - B_n)^{-1} \Delta X_n = M_a \Delta X_n \quad (5)$$

اما همان‌طور که در مقدمه نیز بدان اشاره شد، الگوی مذکور با توجه به وجود محدودیت در عرضه فرآورده‌های نفتی بدلیل محدودیت در واردات مورد نیاز جهت تأمین مصرف داخلی، در شرایط متعارف کارایی لازم را ندارد. برای این منظور نیاز است تا الگوی متعارف بر مبنای الگوی متغیر مختلط به الگوی SAM در شرایط ویژه اصلاح شود. در الگوهای اصلاح شده SAM در شرایط ویژه در بعد مقداری می‌توان علاوه بر سنجش میزان تغییرات تقاضای نهایی در هر بخش از اقتصاد یا محصول (در بخش فاقد محدودیت عرضه) بر تولید سایر بخش‌های اقتصادی، درآمد عوامل تولید و نهادهای جامعه، میزان تغییرات بخش با محدودیت عرضه را بر تولید سایر بخش‌های اقتصادی بدون محدودیت، درآمد عوامل تولید و نهادهای جامعه در شرایط ویژه اندازه‌گیری نمود. از این رو در اصطلاح، الگوی SAM از یک الگوی با ضرایب فزاینده تقاضا به تولید به الگویی با رویکرد ضرایب فزاینده تولید به تولید تغییر می‌کند.

به منظور ارائه الگوی اصلاح شده SAM در شرایط ویژه و با استفاده از نام‌گذاری متغیرهای ارائه شده در جدول ۵، روابط زیر بر اساس الگوی متغیر مختلط ارائه می‌شود. بر اساس جدول ۵، ماتریس ضریب فزاینده رابطه تراز تولیدی و درآمدی رابطه (۲) و همچنین رابطه (۵) به چهار ماتریس مجزا در قسمت درونزا تجزیه و افراز می‌شود. این چهار ماتریس شامل ماتریس B_{nc} است که نمایش دهنده تمامی حساب‌های درونزاست که در حساب تولید آنها هیچ‌گونه محدودیت عرضه در بخش‌های اقتصادی مشاهده نمی‌شود. ماتریس R ،

بخش اقتصادی از حساب تولید را نشان می‌دهد که به صورت یک بردار سطری از سایر حساب‌های درونزا تفکیک شده است. همچنین ماتریس Q بردار ستونی بخش اقتصادی با محدودیت عرضه است که از حساب تولید و متغیرهای درونزا افزاز شده است. به عبارت دیگر ماتریس‌های سطری R و ستونی Q ماتریس‌هایی هستند که پیش از آن در الگوی متعارف بشکل درونزا در مدل تعیین می‌شدند در حالی که بدلیل رخداد محدودیت عرضه در بخش فوق، بخش‌های دیگر نمی‌توانند مشابه گذشته از بخش فوق بطور باکشی تقاضای نهایی داشته باشند. در نهایت B_c ماتریس تک‌عنصری است که مربوط به بخش اقتصادی دچار محدودیت عرضه است.

جدول ۵. ماتریس حسابداری اجتماعی براساس حساب‌های درونزا و برونزا و براساس بخش تولیدی با محدودیت و بدون محدودیت عرضه

درآمد یا تقاضای کل	درونزا		ورودی‌ها		
	برونزا دولت، انباشت و دنیای خارج	محدودیت عرضه	بدون محدودیت عرضه	خروجی‌ها	
y_{nc}	X_{nc}	Q	B_{nc}	تولید	y_c
				عوامل تولید	
نهادهای جامعه	محدودیت عرضه				
y_c	X_c	B_c	R	بخش تولیدی	محدودیت عرضه
y_e	G	L_c	L_{nc}	دولت، انباشت و دنیای خارج	برونزا
	y'_e	y'_c	y'_{nc}	عرضه یا هزینه کل	

مأخذ: Hortono, D. and Resosudarmo, B. P. (2008)

در این صورت رابطه (۲) می‌تواند به شکل رابطه (۶) تبدیل شود:

$$\begin{bmatrix} (I - B_{nc}) & 0 \\ R & -I \end{bmatrix} \Delta \begin{bmatrix} Y_{nc}^* \\ X_c^* \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} I & Q \\ 0 & -(I - B_c) \end{bmatrix} \Delta \begin{bmatrix} X_{nc} \\ Y_c^* \end{bmatrix} \quad (6)$$

$$\begin{bmatrix} Y_{nc}^* \\ X_c^* \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} (I - B_{nc}) & 0 \\ R & -I \end{bmatrix}^{-1} \begin{bmatrix} I & Q \\ 0 & -(I - B_c) \end{bmatrix} \Delta \begin{bmatrix} X_{nc} \\ Y_c^* \end{bmatrix} \quad (7)$$

طبق قوانین مربوط به معکوس نمودن ماتریس‌ها در صورتی که ماتریسی مانند ماتریس A دارای عناصر

ماتریسی $A = \begin{bmatrix} A_{11} & A_{12} \\ A_{21} & A_{22} \end{bmatrix}$ باشد. در این صورت می‌توان براساس روابط (۸) تا (۱۱) ماتریس A را براساس

دستور ماتریس B معکوس نمود. ماتریس B معکوس ماتریس A است و عناصر آن از عناصر تغییر یافته

$$\text{ماتریس } A \text{ حاصل شده است که به صورت } B = \begin{bmatrix} B_{11} & B_{12} \\ B_{21} & B_{22} \end{bmatrix} \text{ است.}$$

$$B_{11} = (A_{11} - A_{12} A_{22}^{-1} A_{21})^{-1} \quad (۸)$$

$$B_{12} = -B_{11} A_{12} A_{22}^{-1} \quad (۹)$$

$$B_{21} = -A_{22}^{-1} A_{21} B_{11} \quad (۱۰)$$

$$B_{22} = A_{22}^{-1} + A_{22}^{-1} A_{21} B_{11} A_{12} A_{22}^{-1} \quad (۱۱)$$

در اینصورت، ماتریس اول در رابطه (۷) براساس ماتریس A به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$A_{11} = [I - B_{nc}], A_{12} = [0], A_{21} = [R], A_{22} = [-I] \quad (۱۲)$$

براساس روش معکوس ماتریس، می‌توان ماتریس B را ارائه نمود:

$$B_{11} = ([I - B_{nc}] - [0][I]^{-1}[R])^{-1} = [I - B_{nc}]^{-1} \quad (۱۳)$$

$$B_{12} = -[I - B_{nc}]^{-1}[0][I]^{-1} = [0] \quad (۱۴)$$

$$B_{21} = -[I]^{-1}[R][I - B_{nc}]^{-1} = [R][I - B_{nc}]^{-1} \quad (۱۵)$$

$$B_{22} = [I]^{-1} + [I]^{-1}[R][I - B_{nc}]^{-1}[0][I]^{-1} = [I] \quad (۱۶)$$

در اینصورت می‌توان مجدداً رابطه (۷) را به صورت رابطه (۱۷) بازنویسی نمود:

$$\Delta \begin{bmatrix} Y_{nc}^* \\ X_c^* \end{bmatrix} = \left[\begin{array}{c|c} [I - B_{nc}]^{-1} & [0] \\ \hline [R][I - B_{nc}]^{-1} & [-I] \end{array} \right] \left[\begin{array}{c} [I] \\ [Q] \\ \hline [0] \end{array} \right] - [I - B_c] \Delta \begin{bmatrix} X_{nc} \\ Y_c^* \end{bmatrix} \quad (۱۷)$$

بر این اساس، رابطه (۱۷) را می‌توان به شکل رابطه (۱۸) بازنویسی نمود:

$$\Delta \begin{bmatrix} Y_{nc}^* \\ X_c^* \end{bmatrix} = \left[\begin{array}{c|c} [I - B_{nc}]^{-1} & [I - B'_{nc}]^{-1}[Q] \\ \hline [R][I - B_{nc}]^{-1} & [R][I - B'_{nc}]^{-1}[Q] + [I - B_c] \end{array} \right] \Delta \begin{bmatrix} X_{nc} \\ Y_c^* \end{bmatrix} \quad (۱۸)$$

رابطه (۱۸) به صورت خلاصه شده بر اساس رابطه (۱۹) ارائه شده است:

$$\Delta \begin{bmatrix} Y_{nc}^* \\ X_c^* \end{bmatrix} = M_a \Delta \begin{bmatrix} X_{nc} \\ Y_c^* \end{bmatrix} \quad (19)$$

رابطه (۱۹) در مقایسه با رابطه (۵) دارای ویژگی‌هایی است که علاوه بر آنکه از منظر روش‌شناسی دارای اهمیت است، می‌تواند در سنجش آثار و تبعات محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی در شرایط ویژه مورد استفاده قرار گیرد:

الف- رابطه آثار و تبعات سیاست‌های افزایش تقاضای نهایی را بر افزایش تولید و درآمد در شرایط متعارف تعیین می‌کند در حالی که با توجه به رابطه (۱۹) نه تنها آثار و تبعات سیاست‌های افزایش تقاضای نهایی یعنی افزایش X_{nc} (تقاضای نهایی بخش‌های تولیدی که دارای محدودیت عرضه نیستند و همچنین عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه) را بر افزایش تولید Y_{nc}^* (شامل تولید بخش‌ها، درآمد عوامل تولید و درآمد نهادهای جامعه که شامل محدودیت نیستند) را همانند رابطه (۵) در شرایط ویژه مورد سنجش قرار می‌دهد، بلکه قابلیت سنجش کاهش تولید بخش محدودیت عرضه تولید Y_c^* را بر کاهش تولید سایر بخش‌ها، کاهش درآمد عوامل تولیدی و کاهش درآمد نهادهای داخلی جامعه را در شرایط ویژه داراست.

ب- رابطه (۱۹) به دو علت در مقایسه با رابطه (۵) یک الگوی مختلط یا ترکیبی است. اولاً شرایط متعارف و شرایط ویژه را نمایش می‌دهد و ثانیاً حاوی متغیرهای برونزا و درونزای ترکیبی هستند. به عبارت دیگر Y_c^* متغیر درونزایی است که به‌عنوان متغیر برونزای بخش دارای محدودیت عرضه تلقی می‌شود و همچنین X_c^* متغیر برونزایی است که به‌عنوان متغیر درونزا تلقی می‌شود به همین علت رابرتس (۱۹۹۴)^۱ این نوع الگوها را، مدل‌های متغیر مختلط می‌نامد. متغیرهای برونزا و درونزای سایر حساب‌ها همانند رابطه (۵) در نظر گرفته می‌شوند.

ج- رابطه (۵) رویکرد ضرایب فزاینده تقاضا به تولید از منظر تقاضاکننده را ارائه می‌دهد و ضریب فزاینده M_a که زنجیره‌های سیکل تولیدی (تولید-درآمد-مصرف-تولید) را نشان می‌دهد به ماتریس ضریب فزاینده حسابداری معروف است. در رابطه (۱۹) نیز ماتریس M_m زنجیره‌های سیکل تولیدی را به‌صورت ترکیبی از شرایط متعارف و ویژه ارائه می‌دهد. به همین دلیل ماتریس M_m به ماتریس ضرایب فزاینده مختلط یا ماتریس ضرایب فزاینده محدودیت عرضه یا در مواردی به‌عنوان ماتریس ضرایب فزاینده تولید به تولید معروف است. بر این اساس می‌توان آثار و تبعات اجتماعی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی مورد مطالعه را بر کاهش تولید سایر بخش‌های اقتصادی بدون محدودیت عرضه، کاهش درآمد

عوامل تولید و کاهش درآمد نهادهای جامعه را محاسبه نمود. به عبارتی با کاهش تولید سایر بخش‌ها ناشی از محدودیت عرضه برخی از فرآورده‌های نفتی، درآمد عوامل تولید و به تبع آن درآمد نهادهای جامعه کاهش می‌یابد. کاهش درآمد نهادها موجب کاهش مصرف و در نهایت با کامل شدن سیکل مجدداً منجر به کاهش تولید می‌شود. عموماً این آثار زنجیره‌ای در برخی مطالعات، ضرایب فزاینده پسین SAM عرضه‌محور لئونتیف نامیده می‌شوند. بنابراین مدل‌های اصلاح‌شده از منظر سیاست‌گذاری، علاوه بر سنجش آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی که پیش از این اشاره شده، می‌توانند مدیریت منابع را در شرایط ویژه ارائه نمایند. در ادامه مطالب، با استفاده از پایه‌های آماری که برای اولین بار جهت بکارگیری در این مطالعه تهیه و تدوین شده است، به ارائه نتایج بر مبنای الگوی اصلاح‌شده SAM عرضه‌محور لئونتیف پرداخته می‌شود.

۴. پایه‌های آماری و تجزیه و تحلیل نتایج

۴.۱. پایه‌های آماری

در این مطالعه با استفاده از جدول داده-ستانده انرژی در سال ۱۳۸۵ که توسط معاونت برق و انرژی (دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی) وزارت نیرو در سال ۱۳۸۸ تدوین گردیده است و با استفاده از SAM بهنگام شده سال ۱۳۸۵ که توسط بانویی و همکاران (۱۳۸۹) در یک طرح تحقیقاتی در مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی محاسبه شده، به تدوین «SAM حامل‌های انرژی» برای سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است. جهت تهیه ماتریس مذکور، علاوه بر بکارگیری موارد فوق، از آمارهای تکمیلی شامل سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، آمارهای حساب‌های ملی سال ۱۳۸۵ بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و گزارش هزینه‌ها و درآمدهای خانوارهای شهری و روستایی تفصیلی سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، برای سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. ماتریس تدوین شده مذکور با توجه به هدف تحقیق و همچنین مبانی نظری مطالعه، تهیه و تدوین شده و مشتمل بر پنج حساب اصلی است که پس از جمع‌بندی برخی از بخش‌های تولیدی، ۳۸ بخش اقتصادی در حساب تولید را شامل می‌شود. حساب عوامل تولید دارای ۴ بخش است که شامل درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری، درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی، درآمد مختلط (درآمد نیروی کار بدون مزد و حقوق‌بگیر) و درآمد سرمایه (مازاد عملیاتی بدون درآمد مختلط) است. در حساب نهادها نیز چهار نهاد داخلی جامعه منظور شده که شامل خانوارهای شهری، خانوارهای روستایی، شرکت‌ها و دولت است. یک سطر مستقل نیز برای حساب انباشت، حساب خالص مالیات‌های بر تولید و واردات و حساب دنیای خارج (صادرات و واردات کالاها و خدمات) است.

۲.۴. تجزیه و تحلیل نتایج

نتایج حاصل از این مطالعه در دو بخش آثار اقتصادی و آثار اجتماعی ارائه می‌شود. هر بخش نیز دارای دو زیر بخش خواهد بود که در آن به ترتیب آثار و تبعات مطلق و آثار و تبعات نسبی ارائه می‌شود. همچنین تجزیه و تحلیل نتایج در چارچوب دو معیار کلی، صورت می‌گیرند: الف- محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی در این مطالعه به صورت درصد و در قالب سناریوهای مختلف بیان می‌شوند که نتایج حاصله ارقام واقعی خواهند بود. بر این اساس نیاز است تا سناریوهای مربوط به کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع با توجه به محدودیت واردات این فرآورده‌ها، ارائه شوند. براساس آمار و اطلاعات ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، سناریوهای مربوط به محدودیت عرضه براساس ارقام واقعی و بر مبنای اختلاف میزان تولید داخلی و عرضه کل هر فرآورده که میزان واردات را نشان می‌دهد تعیین شده است. بر این اساس، برای بنزین محدودیت در عرضه معادل ۳۵ درصد از حجم عرضه کل تعیین شده است. همچنین سناریوهای مربوط به محدودیت عرضه گازوئیل و گاز مایع به ترتیب معادل ۱۰ درصد و ۳۰ درصد است. ب- نتایج حاصل از این مطالعه برحسب آثار مطلق و آثار نسبی سازماندهی و ارائه شده‌اند. ارقام ارائه شده به شکل آثار مطلق عمدتاً بر سیاست‌های کلی اقتصاد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی و در نهایت رشد اقتصادی اهمیت می‌یابند. آثار نسبی نیز مربوط به سیاست‌های بخشی هستند. نتایج از منظر حساب تولید و آثار اقتصادی بر بخش تولید برای ۱۵ بخش اول با بیشترین اثرپذیری (کاهش تولید) ارائه شده‌اند.

۱.۲.۴. آثار و تبعات اقتصادی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی

نتایج این مطالعه در جداول ۶، ۷ و ۸ سازماندهی شده‌اند که به تفکیک آثار و تبعات مطلق و نسبی ارائه می‌شوند. از منظر سیاست‌گذاری، همانطور که پیش از این اشاره شد، نتایج آثار مطلق بطور ضمنی می‌تواند کاهش تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را آشکار کند حال آنکه آثار نسبی وضعیت کاهش تولید بخش‌ها را تبیین می‌کند.

۴.۱.۱.۱. آثار و تبعات مطلق

براساس نتایج حاصل از کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع میزان کاهش تولید بخش‌های اقتصادی در قالب آثار مطلق در ستون اول و دوم جداول ۶، ۷ و ۸ ارائه شده است. نتایج جداول نشان می‌دهند که:

یک- آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم کاهش عرضه همزمان فرآورده‌های نفتی شامل بنزین، گازوئیل و گازمایع منجر به کاهش تولید ۷۸۹۵ میلیارد ریال در کل اقتصاد خواهد شد. در ۱۵ بخش اول تولیدی که با بیشترین کاهش تولید همراه بوده‌اند، کمترین میزان کاهش تولید با محدودیت عرضه بنزین معادل ۹۴ میلیارد ریال برای خدمات پست و مخابرات بوده است و برای محدودیت عرضه گازوئیل، کمترین میزان کاهش مربوط به همین بخش با ۲۱ میلیارد ریال بوده است. همچنین محدودیت در عرضه گازمایع، در میان ۱۵ بخش اول تولیدی که با بیشترین کاهش تولید همراه بوده است، حداقل میزان اثرگذاری خود را بر بخش ساخت فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات به میزان ۵۸ میلیارد ریال گذاشته است.

دو- بخش‌هایی که با بیشترین میزان کاهش تولید به‌طور مطلق همراه بوده‌اند در میان محدودیت عرضه سه فرآورده نفتی مورد مطالعه مشترک هستند و تنها رتبه و جایگاه این بخش‌ها از نظر میزان کاهش تولید (آثار مطلق) متفاوت بوده است. این بخش‌ها شامل بخش تولید و استخراج نفت خام و گاز طبیعی، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، ساخت مواد و محصولات شیمیایی، زراعت، باغداری و دامپروری، خدمات مستغلات، خدمات بانک، بیمه و مالی، ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی، توزیع برق و خدمات مربوط به آن، خدمات حمل‌ونقل زمینی (بار و مسافر)، سایر خدمات، خدمات اقامتگاه‌های عمومی و رستوران، خدمات آموزش، ساخت فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم‌تریلرها و خدمات پست و مخابرات است.

سه- در میان ۱۵ بخش اول اقتصادی با بیشترین میزان مطلق کاهش تولید، بخش تولید و استخراج نفت خام و گاز طبیعی در مقابل محدودیت عرضه هر سه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع، با بیشترین میزان کاهش تولید همراه بوده است زیرا از آنجایی که بخش‌های عرضه‌کننده فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع از منظر تقاضاکننده واسطه‌ای بیشترین وابستگی را به بخش تولید و استخراج نفت خام و گاز طبیعی دارا هستند، بنابراین، با کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی به لحاظ مبادلات واسطه‌ای عمیق میان بخش‌های مذکور، کاهش حداکثر تولید در بخش مذکور دور از انتظار نبوده است.

جدول ۶. آثار مطلق ونسبی کاهش ۳۵ درصدی عرضه بنزین بر تولید ۱۵ بخش اقتصادی با بیشترین کاهش تولید

آثار نسبی کاهش تولید (درصد)	بخش‌های اقتصادی	آثار مطلق کاهش تولید (میلیون ریال)	بخش‌های اقتصادی
-۵/۲۰	۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۶۹۹,۲۰۱	۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی
-۱/۳۸	۲. خدمات بانک، بیمه و مالی	۴۷۵,۹۱۹	۲. خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی
-۱/۲۶	۳. توزیع برق و خدمات مربوط	۴۵۰,۵۶۷	۳. ساخت مواد و محصولات شیمیایی
-۱/۲۱	۴. خدمات مستغلات	۳۶۱,۰۷۷	۴. خدمات مستغلات
-۱/۱۶	۵. ساخت سایر فرآورده‌های نفتی و ذغال‌سنگ	۲۱۷,۱۳۹	۵. زراعت، باغداری و دامپروری
-۰/۷۷	۶. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران	۲۰۷,۹۷۵	۶. خدمات بانک، بیمه و مالی
-۰/۷۷	۷. خدمات آموزش	۲۰۱,۴۰۴	۷. ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی
-۰/۶۹	۸. ساخت مواد و محصولات شیمیایی	۱۹۵,۱۳۶	۸. توزیع برق و خدمات مربوط به آن
-۰/۶۵	۹. خدمات حمل و نقل دریایی	۱۹۳,۰۱۸	۹. خدمات حمل و نقل زمینی (بار و مسافر)
-۰/۵۸	۱۰. خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۱۸۱,۹۵۷	۱۰. سایر خدمات
-۰/۵۱	۱۱. توزیع گاز طبیعی و خدمات مربوط به آن	۱۲۳,۲۰۲	۱۱. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران
-۰/۴۵	۱۲. ساخت چوب و محصولات چوبی	۱۱۰,۰۸۳	۱۲. خدمات آموزش
-۰/۴۴	۱۳. خدمات حمل و نقل زمینی (بار و مسافر)	۱۰۳,۹۳۵	۱۳. ساخت فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات
-۰/۴۴	۱۴. خدمات پست و مخابرات	۱۰۲,۷۵۲	۱۴. ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها
-۰/۴۴	۱۵. سایر خدمات	۹۴,۹۴۵	۱۵. خدمات پست و مخابرات

مأخذ: نتایج بر مبنای رابطه (۱۸) و SAM حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ محاسبه شده‌اند.

چهار- در میان بخش‌های تولیدی، کاهش تولید در بخش‌های زراعت، باغداری و دامپروری، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل‌ونقل جاده‌ای (بار و مسافر)، ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی، و خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران حائز اهمیت و توجه است و نشان از وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بخش‌های یادشده به بخش‌های با محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع دارد. به عنوان نمونه، با کاهش عرضه فرآورده نفتی گازوئیل، حمل‌ونقل جاده‌ای بار کاهش یافته و با توجه به وابستگی زیاد بخش خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به بخش حمل‌ونقل و در مقابل وابستگی بسیار زیاد بخش حمل‌ونقل به فرآورده‌های نفتی، منجر به کاهش تولید بخش خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌شود. از آنجایی که بخش خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به عنوان یک بخش توزیع‌کننده کالاها، اهمیت بسیاری برای سایر بخش‌ها دارد و با توجه به سهم تقریبی ۱۴ درصدی این بخش از کل ارزش‌افزوده کشور، انتظار می‌رود تولید در سایر بخش‌های اقتصادی از جمله بخش زراعت، باغداری و دامپروری کاهش یابد. کاهش محصولات در بخش زراعت، باغداری و دامپروری می‌تواند منجر به کاهش محصولات غذایی و آشامیدنی شده که این امر بر تولید خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و

رستوران نیز اثرگذار خواهد بود و منجر به کاهش تولید می‌شود. همچنین با کاهش تولید بخش زراعت، باغداری و دامپروری با توجه به آثار زنجیره‌ای آن، می‌توان انتظار داشت که تقاضای واسطه‌ای برای محصولات و مواد شیمیایی نظیر کود و آفت‌کش‌ها نیز کاهش یابد.

جدول ۷. اثرات مطلق و نسبی کاهش ۱۰ درصدی عرضه گازوئیل بر تولید ۱۵ بخش اقتصادی با

بیشترین کاهش تولید

بخش‌های اقتصادی	آثار مطلق کاهش تولید (میلیون ریال)	بخش‌های اقتصادی	آثار نسبی کاهش تولید (درصد)
۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۱۴۷,۲۹۶	۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی	-۱/۱۰
۲. خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی	۱۰۴,۲۷۲	۲. خدمات بانک، بیمه و مالی	-۰/۲۹
۳. ساخت مواد و محصولات شیمیایی	۹۵,۸۲۹	۳. خدمات مستغلات	-۰/۲۷
۴. خدمات مستغلات	۷۹,۶۰۰	۴. ساخت سایر فرآورده‌های نفتی و ذغال‌سنگ	-۰/۲۳
۵. زراعت، باغداری و دامپروری	۴۹,۰۶۸	۵. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران	-۰/۱۷
۶. ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی	۴۵,۵۱۳	۶. خدمات آموزش	-۰/۱۷
۷. خدمات بانک، بیمه و مالی	۴۴,۲۷۷	۷. توزیع برق و خدمات مربوطه	-۰/۱۶
۸. خدمات حمل و نقل زمینی (بار و مسافر)	۴۲,۳۷۷	۸. ساخت مواد و محصولات شیمیایی	-۰/۱۵
۹. سایر خدمات	۴۰,۵۶۲	۹. خدمات حمل و نقل دریایی	-۰/۱۴
۱۰. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران	۲۶,۵۷۱	۱۰. خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	-۰/۱۳
۱۱. توزیع برق و خدمات مربوطه	۲۵,۱۲۲	۱۱. بنزین	-۰/۱۲
۱۲. خدمات آموزش	۲۳,۷۴۶	۱۲. خدمات پست و مخابرات	-۰/۱۰
۱۳. ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها	۲۳,۲۵۹	۱۳. سایر خدمات	-۰/۱۰
۱۴. ساخت فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات	۲۲,۳۴۴	۱۴. ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	-۰/۱۰
۱۵. خدمات پست و مخابرات	۲۱,۰۸۱	۱۵. توزیع گاز طبیعی و خدمات مربوطه	-۰/۱۰

مأخذ: نتایج بر مبنای رابطه (۱۸) و SAM حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ محاسبه شده‌اند.

پنج- از آنجایی که بخش‌های خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و همچنین بخش تولید و استخراج نفت خام و گاز طبیعی سهم قابل توجهی در کل ارزش افزوده و همچنین تولید ناخالص داخلی کشور دارند، بنابراین با توجه به اینکه با کاهش عرضه هر سه فرآورده نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع با بیشترین کاهش تولید مواجه شده‌اند، منجر به کاهش رشد اقتصادی نیز خواهند شد.

ششم- همچنین در میان سایر بخش‌های تولیدی مشاهده می‌شود که به دلیل کاهش شدید تولید در بخش استخراج نفت خام و گاز طبیعی به عنوان یک بخش عرضه‌کننده به بخش فرآورده‌های نفتی، انتظار می‌رود بخش‌های انرژی‌بر از جمله توزیع برق و گاز طبیعی و بخش‌های صنعتی مانند بخش تولید و ساخت

وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیمه‌تریلرها و لوازم و قطعات الحاقی آنها و بخش فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات نیز با بیشترین کاهش تولید همراه باشند.

جدول ۸. اثرات مطلق و نسبی کاهش ۳۰ درصدی عرضه گازمابع بر تولید ۱۵ بخش اقتصادی با بیشترین

کاهش تولید

آثار نسبی کاهش تولید (درصد)	بخش‌های اقتصادی	آثار مطلق کاهش تولید (میلیون ریال)	بخش‌های اقتصادی
-۲/۳۷	۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی	۳۱۸,۲۹۵	۱. استخراج نفت خام و گاز طبیعی
-۰/۹۴	۲. خدمات مستغلات	۳۰۳,۹۰۴	۲. خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی
-۰/۸۵	۳. توزیع برق و خدمات مربوطه	۲۸۲,۱۳۶	۳. خدمات مستغلات
-۰/۷۱	۴. خدمات بانک، بیمه و مالی	۲۲۴,۳۰۴	۴. ساخت مواد و محصولات شیمیایی
-۰/۶۰	۵. ساخت سایر فرآورده‌های نفتی و ذغال سنگ	۱۶۸,۵۸۳	۵. زراعت، باغداری و دامپروری
-۰/۵۰	۶. خدمات آموزش	۱۵۵,۹۲۴	۶. ساخت محصولات غذایی و آشامیدنی
-۰/۴۶	۷. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران	۱۳۲,۱۱۳	۷. توزیع برق و خدمات مربوطه
-۰/۴۱	۸. بنزین	۱۲۹,۷۶۹	۸. سایر خدمات
-۰/۳۷	۹. خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۱۲۴,۸۰۹	۹. خدمات حمل و نقل زمینی (بار و مسافر)
-۰/۳۶	۱۰. توزیع گاز طبیعی و خدمات مربوطه	۱۰۷,۸۸۱	۱۰. خدمات بانک، بیمه و مالی
-۰/۳۴	۱۱. ساخت مواد و محصولات شیمیایی	۷۹,۶۵۲	۱۱. ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیمه‌تریلرها
-۰/۳۲	۱۲. ساخت تجهیزات چندرسانه‌ای	۷۲,۸۲۴	۱۲. خدمات اقامت‌گاه‌های عمومی و رستوران
-۰/۳۱	۱۳. سایر خدمات	۷۲,۴۶۸	۱۳. خدمات آموزش
-۰/۳۱	۱۴. خدمات پست و مخابرات	۶۶,۲۸۷	۱۴. خدمات پست و مخابرات
-۰/۳۱	۱۵. خدمات حمل و نقل دریایی	۵۸,۸۶۶	۱۵. ساخت فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات

مأخذ: نتایج بر مبنای رابطه (۱۸) و SAM حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ محاسبه شده‌اند.

۲.۱.۲.۴. آثار و تبعات نسبی

بخش دوم نتایج که در ستون سوم و چهارم جداول ۶، ۷ و ۸ مشاهده می‌شود، کاهش نسبی تولید بخش‌های اقتصادی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع است. از نظر مفهومی، اثرات نسبی مقادیری هستند که کاهش تولید سایر بخش‌های اقتصادی (پس از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی) را بر تولید واقعی متناظر با آنها (پیش از محدودیت در واردات فرآورده‌های نفتی) ناشی از کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع نشان می‌دهد. نتایج مربوط به آثار نسبی کاهش تولید نشان می‌دهد که:

اول- بیشترین کاهش نسبی تولید مربوط به بخش استخراج و تولید نفت خام و گاز طبیعی است که به ترتیب بر اساس محدودیت عرضه بنزین، گازوئیل و گاز مایع به میزان ۵/۲۰، ۱/۱۰ و ۲/۳۷ درصد کاهش یافته است.

دوم- چنانچه پنج بخش اقتصاد کشور را ملاک بیشترین درصد کاهش نسبی تولید ناشی از کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع بشمار آوریم، مشاهده می‌شود که به ترتیب بخش‌های تولید و استخراج نفت خام و گاز طبیعی، خدمات بانک، بیمه و مالی، توزیع برق و خدمات مربوط به آن، خدمات مستغلات و ساخت سایر فرآورده‌های نفتی بیشترین درصد کاهش تولید را قبل و پس از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی تجربه نموده‌اند.

سوم- بخش‌های اقتصادی که با بیشترین کاهش نسبی تولید همراه بوده‌اند، متفاوت از بخش‌های اقتصادی بوده‌اند که بیشترین کاهش مطلق تولید را تجربه کرده‌اند؛ هر چند که در برخی بخش‌های تولیدی مشترک هستند اما جایگاه و رتبه آنها متفاوت است. به عنوان نمونه، در خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی درصد کاهش نسبی تولید بسیار کمتر از کاهش مطلق تولید است به طوری که با محدودیت عرضه بنزین به میزان ۳۵ درصد، بخش مذکور در جایگاه دوم کاهش آثار مطلق تولید قرار دارد در حالی که در میان ۱۵ بخش تولیدی با بیشترین کاهش نسبی تولید در جایگاه دهم قرار دارد.

۲.۲.۴. آثار و تبعات اجتماعی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی

آثار و تبعات اجتماعی کاهش درآمد عوامل تولید و نهادهای جامعه در جداول ۹ و ۱۰ برحسب آثار مطلق و نسبی ارائه شده‌اند. منظور از آثار اجتماعی، سنجش دو نوع توزیع درآمد است که عبارتند از توزیع درآمد عوامل تولید و توزیع درآمد نهادها که نتایج ارائه شده در جدول ۹ توزیع درآمد عوامل تولید را برحسب آثار مطلق و نسبی نشان می‌دهد و جدول ۱۰ نیز توزیع درآمد نهادهای جامعه را برحسب آثار مطلق و نسبی نشان می‌دهد.

نتایج مربوط به آثار و تبعات ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع بر توزیع درآمد عوامل تولید نشان می‌دهند که:

یک- براساس نتایج ارائه شده در جدول ۹، در میان چهار رده تشکیل‌دهنده حساب عوامل تولید، درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری بیش از درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی به‌طور مطلق کاهش یافته است. همچنین با مشاهده آثار نسبی کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی یادشده، کاهش نسبی درآمد عوامل تولید شهری بیش از عوامل تولید روستایی بوده است. از آنجایی که کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی منجر به کاهش تولید بخش‌های مختلف اقتصادی شده است، درآمد عوامل تولید بویژه کاهش تولیدات

صنعتی و تجاری، منجر به کاهش بیشتر درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری نسبت به نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی شده است.

جدول ۹. آثار مطلق و نسبی کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بر توزیع درآمد عوامل تولید

کاهش عرضه بنزین به میزان ۳۵ درصد			
آثار نسبی کاهش تولید (درصد)	عوامل تولید	آثار مطلق کاهش تولید (میلیون ریال)	عوامل تولید
-۰/۱۱۶	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری	۴۱۵,۲۴۹	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری
-۰/۱۰۳	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی	۱۱۳,۶۷۶	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی
-۰/۱۳۰	۳. درآمد مختلط	۹۴۱,۰۹۲	۳. درآمد مختلط
-۰/۲۰۸	۴. مازاد عملیاتی	۲,۵۲۸,۳۸۳	۴. مازاد عملیاتی
کاهش عرضه گازوئیل به میزان ۱۰ درصد			
-۰/۰۲۴	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری	۸۵,۶۷۱	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری
-۰/۰۲۱	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی	۲۳,۳۴۷	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی
-۰/۰۲۹	۳. درآمد مختلط	۲۰۷,۵۹۴	۳. درآمد مختلط
-۰/۰۴۹	۴. مازاد عملیاتی	۵۹۸,۱۰۲	۴. مازاد عملیاتی
کاهش عرضه گاز مایع به میزان ۳۰ درصد			
-۰/۱۰۴	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری	۳۷۴,۴۴۷	۱. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر شهری
-۰/۰۹۳	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی	۱۰۲,۵۳۸	۲. درآمد نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر روستایی
-۰/۰۹۰	۳. درآمد مختلط	۶۴۹,۴۹۸	۳. درآمد مختلط
-۰/۱۶۹	۴. مازاد عملیاتی	۲,۰۴۵,۶۹۸	۴. مازاد عملیاتی

مأخذ: نتایج بر مبنای رابطه (۱۸) و SAM حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ محاسبه شده‌اند.

دو- همچنین برای تمامی فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گاز مایع، مازاد عملیاتی یا به عبارت دیگر درآمد سرمایه بیش از سایر عوامل تولید کاهش درآمد را تجربه نموده است و از نظر کاهش نسبی نیز دارای بیشترین میزان کاهش بوده است.

در جدول ۱۰ نیز نتایج حاصل از کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بر درآمد نهادهای داخلی جامعه (بجز دولت) ارائه شده است. نتایج حاصل بر توزیع درآمد نهادها نشان می‌دهد که:

اول- از منظر آثار مطلق، میزان آسیب‌پذیری خانوارهای شهری ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بیش از خانوارهای روستایی بوده است. اما از منظر آثار نسبی کاهش درآمد نهادهای جامعه، این مسئله در مورد محدودیت عرضه بنزین و گازوئیل تا حدودی متفاوت است. به طوری که کاهش درآمد

خانوارهای روستایی به‌طور نسبی بیش از خانوارهای شهری برای فرآورده‌های نفتی پر مصرفی مانند بنزین و گازوئیل بوده است.

جدول ۱۰. آثار مطلق و نسبی کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی بر توزیع درآمد نهادهای جامعه

کاهش عرضه بنزین به میزان ۳۵ درصد			
آثار نسبی کاهش تولید (درصد)	نهادهای داخلی جامعه	آثار مطلق کاهش تولید (میلیون ریال)	نهادهای داخلی جامعه
-۰/۱۳۸	۱. درآمد خانوارهای شهری	۲,۴۴۵,۴۷۶	۱. درآمد خانوارهای شهری
-۰/۱۴۶	۲. درآمد خانوارهای روستایی	۶۹۱,۲۲۰	۲. درآمد خانوارهای روستایی
-۰/۱۰۵	۳. درآمد شرکت‌ها	۱,۴۰۲,۰۷۵	۳. درآمد شرکت‌ها
کاهش عرضه گازوئیل به میزان ۱۰ درصد			
-۰/۰۳۱	۱. درآمد خانوارهای شهری	۵۵۷,۹۵۳	۱. درآمد خانوارهای شهری
-۰/۰۳۲	۲. درآمد خانوارهای روستایی	۱۵۳,۳۴۷	۲. درآمد خانوارهای روستایی
-۰/۰۲۵	۳. درآمد شرکت‌ها	۳۲۹,۸۴۸	۳. درآمد شرکت‌ها
کاهش عرضه گاز مایع به میزان ۳۰ درصد			
-۰/۱۱۰	۱. درآمد خانوارهای شهری	۱,۹۴۸,۴۴۰	۱. درآمد خانوارهای شهری
-۰/۱۰۹	۲. درآمد خانوارهای روستایی	۵۱۷,۵۳۸	۲. درآمد خانوارهای روستایی
-۰/۰۸۵	۳. درآمد شرکت‌ها	۱,۱۲۹,۴۹۶	۳. درآمد شرکت‌ها

مأخذ: نتایج بر مبنای رابطه (۱۸) و SAM حامل‌های انرژی سال ۱۳۸۵ محاسبه شده‌اند.

ب- براساس آمار و اطلاعات ارائه شده در جدول ۱۱ سهم هزینه‌های انرژی سالیانه خانوارها در دهک‌های منتخب شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مشاهده می‌شود. بر این اساس علی‌رغم آنکه به‌طور مطلق درآمد خانوارهای شهری بیش از خانوارهای روستایی کاهش یافته است اما با توجه به آنکه سهم هزینه‌های انرژی سالیانه در خانوارهای روستایی بیشتر از سهم هزینه‌های انرژی سالیانه خانوارهای شهری است، بر این اساس انتظار می‌رود که با توجه به محدودیت در عرضه بنزین و گازوئیل کاهش نسبی درآمد خانوارهای روستایی از خانوارهای شهری بیشتر باشد.

جدول ۱۱. سهم هزینه‌های انرژی سالیانه خانوارها در دهک‌های منتخب شهری و روستایی

سال	شهری		روستایی	
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۸
سهم هزینه‌های انرژی خانوار (درصد)	سهم هزینه‌های انرژی خانوار (درصد)	سهم هزینه‌های انرژی خانوار (درصد)	سهم هزینه‌های انرژی خانوار (درصد)	سهم هزینه‌های انرژی خانوار (درصد)
هزینه کل	۲/۲۲	۲/۱۳	۳/۷۹	۴/۲۳
دهک اول	۳/۹۰	۲/۷۱	۶/۹۶	۵/۸۸
دهک پنجم	۲/۷۰	۳/۲۰	۴/۶۶	۵/۴۶
دهک هفتم	۲/۴۳	۲/۷۷	۴/۰۹	۴/۹۹
دهک دهم	۱/۵۲	۱/۹۳	۲/۶۹	۳/۰۹

مأخذ: ترازنامه هیدروکربوری سال ۱۳۸۸، وزارت نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، صفحه ۵۲۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

در این مطالعه، با معرفی الگوی مختلط SAM در شرایط ویژه نشان داده شد که الگوهای متعارف تقاضا محور SAM تنها در شرایط متعارف کاربرد داشته و در شرایط ویژه ناتوان هستند. به‌منظور برون‌رفت از این مسئله، برای اولین بار با استفاده از الگوی مذکور تلاش نموده‌ایم تا آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی بنزین، گازوئیل و گازمایع را بر کاهش تولید بخش‌های اقتصادی و همچنین بر دو نوع توزیع درآمد عوامل تولید و توزیع درآمد نهادهای جامعه مورد سنجش قرار دهیم. نتایج حاصل از سنجش آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی یادشده با استفاده از الگوی اصلاح‌شده SAM عرضه‌محور لئونتیف براساس سناریوهای مقداری واقعی در کشور ارائه شد و اثرپذیری آن بر تولید بخش‌ها، توزیع درآمد عوامل تولید و توزیع درآمد نهادهای داخلی جامعه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بر اساس آثار اقتصادی و اجتماعی یادشده و در چارچوب آثار و تبعات مطلق و نسبی کاهش عرضه فرآورده‌های نفتی سازماندهی شده‌اند. نتایج مربوط به آثار اقتصادی نشان می‌دهند که:

یک- آثار مطلق کاهش تولید ناشی از محدودیت عرضه تمامی فرآورده‌های نفتی یاد شده در ۱۵ بخش ارائه شده با بیشترین میزان کاهش تولید مشترک بوده و تنها ترتیب قرارگیری آنها تفاوت می‌کند. در این میان بخش استخراج و تولید نفت خام و گاز طبیعی به دلیل وابستگی شدید بخش‌های فرآورده‌های نفتی از منظر تقاضاکننده واسطه با بیشترین کاهش تولید همراه بوده است. همچنین خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی نیز که سهمی در حدود ۱۴ درصد از کل ارزش‌افزوده را داراست، نیز پس از بخش استخراج نفت و گاز طبیعی با بیشترین کاهش تولید همراه بوده است زیرا بخش خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی

وابستگی زیادی به بخش حمل‌ونقل داشته و در عوض وابستگی زیاد بخش حمل‌ونقل به فرآورده‌های نفتی منجر به کاهش تولید شدید در بخش مذکور شده است. در این میان بخش‌های دیگری که با کاهش تولید همراه بوده‌اند عمدتاً بخش‌های انرژی بر نظیر بخش‌های مربوط به کشاورزی و صنایع وابسته به آن مانند محصولات غذایی و آشامیدنی و همچنین بخش‌های حمل‌ونقل جاده‌ای هستند. در بخش صنعت نیز صنایع انرژی‌بر مانند ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیمه‌تریلرها و همچنین ساخت فلزات اساسی نظیر آهن، فولاد و مس با کاهش تولید شدیدتری مواجه بوده‌اند.

دو- از منظر آثار و تبعات نسبی محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی، به ترتیب بخش‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز طبیعی بانک، بیمه و مالی، توزیع برق و خدمات مربوط به آن، خدمات مستغلات و ساخت سایر فرآورده‌های نفتی بیشترین درصد کاهش تولید را قبل و پس از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی تجربه نموده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که بخش‌هایی که از نظر نسبی دچار کاهش تولید شده‌اند عمدتاً از نظر جایگاه و رتبه متفاوت از بخش‌هایی بوده‌اند که دارای کاهش تولید مطلق بوده‌اند. به عنوان نمونه، بخش خدمات مالی، بانک و بیمه بطور مطلق کاهش کمتری را تجربه نموده است اما از منظر آثار نسبی، پس از بخش استخراج و تولید نفت و گاز طبیعی در رتبه دوم قرار دارد.

همچنین نتایج مربوط به آثار اجتماعی ناشی از محدودیت عرضه فرآورده‌های نفتی نشان می‌دهند که:

یک- درآمد عوامل تولید نیز با کاهش مواجه بوده است به طوری که برای تمامی فرآورده‌های نفتی جبران خدمات نیروی کار شهری مزد و حقوق‌بگیر از منظر مقادیر مطلق و نسبی بیش از نیروی کار روستایی کاهش یافته است. در این میان کاهش مطلق و نسبی درآمد سرمایه یا مازاد عملیاتی بدون درآمد مختلط بیشترین کاهش را نشان می‌دهد.

دو- همچنین درآمد نهادهای داخلی جامعه نیز با کاهش همراه بوده است. در این میان درآمد خانوارهای شهری برای سه فرآورده نفتی با کاهش مطلق بیشتری نسبت به خانوارهای روستایی همراه بوده است. اما با توجه به سهم بیشتر انرژی در سبد هزینه دهک‌های مختلف درآمدی خانوارهای روستایی نسبت به شهری، درآمد خانوارهای روستایی نسبت به درآمد خانوارهای شهری بطور نسبی با کاهش بیشتری بویژه برای دو فرآورده بنزین و گازوئیل همراه بوده است.

نتایج مذکور می‌تواند از منظر سیاست‌گذاری دارای اهمیت بسیار زیادی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشور باشد. موارد مختلفی را می‌توان با توجه به این نتایج در دو بعد اقتصادی و اجتماعی مورد ملاحظه قرار داد. یک- محدودیت در واردات فرآورده‌های نفتی نشان می‌دهد که بخش‌های تولید به دلیل

پیوندهای واسطه‌ای شدید بطور مستقیم و غیرمستقیم با بخش فرآورده‌های نفتی دچار کاهش شدید تولید می‌شوند به همین دلیل نیاز است تا برای توسعه بخش پالایش کشور برنامه مدونی برای سرمایه‌گذاری در این بخش صورت گیرد تا نیاز به واردات به صفر کاهش یابد. دو- در حال حاضر بهینه‌سازی مصرف انرژی یکی از مواردی است که نیاز است بیش از پیش به آن توجه شود. توجه به مواردی از جمله تدوین راهبردهای بلندمدت کارایی انرژی، مشوق‌های مالی و سرمایه‌گذاری در کارایی انرژی، نقش نهادهای مشارکت‌کننده در بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگاه تحقیق و توسعه، آموزش و اطلاع‌رسانی، برچسب‌گذاری و کدپندی‌های انرژی، مشارکت‌های بین‌المللی و نحوه جمع‌آوری آمار و اطلاعات کارایی انرژی می‌تواند روند کاهش و بهینه‌سازی مصرف فرآورده‌های نفتی را که سهمی ۷۰ درصدی در سبد انرژی کشور دارند را فراهم نماید. سه- یکی از مواردی که در بخش تولیدات پالایشگاهی از اهمیت برخوردار است، نوع و شکل‌گیری الگوی پالایشی است. در حال حاضر الگوی پالایشی بسیاری از پالایشگاه‌های کشور به سمت فرآورده‌های میان تقطیر و همچنین پایین تقطیر از جمله نفت کوره است. از اینرو تولیدات در بخش پالایشی باید به سمت فرآورده‌هایی حرکت کند که کشور به آنها نیاز بیشتری دارد. در این میان تولید بنزین و گازوئیل در میان سایر فرآورده‌های نفتی از اولویت برخوردار هستند. در ابعاد اجتماعی نیز پیشنهاد می‌شود که با توجه به وابستگی نسبی زیاد خانوارهای روستایی به فرآورده‌های نفتی نسبت به خانوارهای شهری، نیاز است تا با روش‌های بهینه‌سازی مصرف از جمله آموزش و اطلاع‌رسانی، مصرف در این بخش به شکل بهینه‌تری صورت گیرد. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که تمامی نتایج و مشاهدات این مقاله فقط به وجه روابط مقداری تولید و آثار اجتماعی آن نظیر توزیع درآمد عوامل تولید و توزیع درآمد نهادها تأکید نموده است. اینکه محدودیت در بعد مقداری تولید چه میزان منجر به افزایش قیمت (بعد قیمتی) شاخص قیمت سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص هزینه زندگی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها شود، مورد توجه قرار نگرفته است در حالی که این ابعاد نیز از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بررسی محدودیت فوق نیاز به پژوهش‌ها و تلاش‌های آتی دارد.

منابع و مآخذ

بانویی، علی‌اصغر، آماده، حمید، ورمزیار، حسن و کرمی، مهدی (۱۳۸۹)، *تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی کشاورزی برای سال ۱۳۸۵ اقتصاد ایران*، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.

بانویی، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، *مآخذشناسی نیم‌قرن جدول داده-ستانده و کاربردهای آن در ایران*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

بانویی، علی‌اصغر، اکبری مهربانی، سارا و محمدپور، ملیکا (۱۳۸۲)، «تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی ضرایب فزاینده بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۲-۴۱، صص. ۲۷-۵۱.

بانویی، علی‌اصغر و پروین، سهیلا (۱۳۸۷)، «تحلیل‌سیاستی آثار حذف یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی خانوارهای شهری و روستایی در چارچوب تحلیل مسیر ساختاری»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۳-۱.

بانویی، علی‌اصغر و مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۹)، «تحلیل‌های ضرایب فزاینده رشد و توزیع درآمد در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی، مورد ایران و کشورهای منتخب»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۷، صص ۱۷۳-۱۶۸.

بانویی، علی‌اصغر و عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۳)، «اهمیت مقوله توزیع درآمد و ابعاد آن در ماتریس حسابداری اجتماعی»، *فصلنامه اقتصاد و جامعه*، شماره دوم، صص ۱۷۹-۱۶۰.

پرمه، زورار، ملکی، بهنام، بانویی، علی‌اصغر، اندایش، یعقوب و کرمی، مهدی (۱۳۹۰)، *برآورد اثرات طرح تحول هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی بر سطح قیمت کالاها و خدمات*، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۸، صص ۳۲-۱.

پروین، سهیلا، بانویی، علی‌اصغر، کرمی، مهدی و آزاد، سید ایمان (۱۳۸۸)، *تحلیل ساختار مسیر تغییرات درآمد پس از حذف یارانه کالاهای اساسی (مطالعه موردی اقتصاد ایران) با استفاده از ماتریس حسابداری و اجتماعی*، انتشارات پاراگراف.

ترازنامه انرژی (۱۳۸۸)، وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی.

ترازنامه هیدروکربوری (۱۳۸۸)، وزارت نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

جدول داده- ستانده (۱۳۸۰)، مرکز آمار ایران.

جدول داده-ستانده انرژی (۱۳۸۵)، وزارت نیرو، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی، گروه نظارت و ارزیابی انرژی، سال ۱۳۸۸.

حیدری، خلیل و پرمه، زورار (۱۳۸۹)، «برآورد آثار اصلاح قیمت نان و حامل‌های انرژی روی سبد هزینه خانوار»، فصلنامه راهبرد (ویژه اقتصادی)، شماره ۵۷، سال نوزدهم، صص. ۱۹۵-۱۸۱.

رازینی، ابراهیم علی و صبوری دیلمی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «بررسی اثرات اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر مصرف بنزین در ایران»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۲-۱۲۳.

فریدزاد، علی (۱۳۹۰)، ملاحظاتی بر سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران: مقایسه تطبیقی کشورهای ایران، کانادا، نروژ و ژاپن، دومین کنفرانس و نمایشگاه مدیریت و بهینه‌سازی انرژی، مرکز همایش‌های هتل المپیک، تهران، دی‌ماه ۱۳۹۰.

ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران (۱۳۷۸)، روش‌شناسی و ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۷۸، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

Hortono, D. and Resosudarmo, B. P. 2008, "The Economy-Wide Impact of Controlling energy Consumption in Indonesia: An Analysis Using a Social Accounting Matrix Framework", *Energy Policy*, Vo.36, pp: 1404-1419.

Miller, R.E. and Blair P.D., 2009, "Input-Output Analysis: Foundations and Extensions", Cambridge University Press, New York (Second Edition).

Parikh, A. and Thorbecke, E., 1996, "Impact of Rural Industrialization on Village Life and Economy: A Social Accounting Matrix Approach", *Economic Development and Cultural Change*, No.44, pp: 351-377.

Resosudarmo, B. P. and Thorbecke, E., 1996, "The Impact of Environmental Policies on Household Incomes for Different Socio-Economic Classes: The Case of Air Pollutants in Indonesia", *Ecological Economics*, Vol.17, pp: 83-94.

Rich, K. M., Winter-Nelson, A. and Nelson G. C., 1997, "Political Feasibility of Structural Adjustment in Africa: An Application of SAM Mixed Multipliers", *World Development*, Vol.25, No.12, pp: 2150-2114.

Roberts, D., 1994, "A Modified Leontief Model for Analyzing the Impact of Milk Quotas on the Wider Economy", *Journal of Agricultural Economics*, Vol.45, No.1, pp: 90-101.